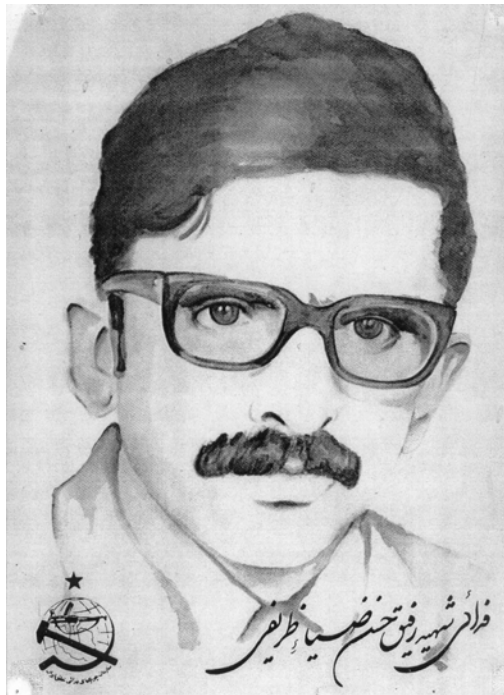


☆ فدایی خلق حسن ضیاضیفی

۱۳۱۶-۱۳۵۴



حسن در سال ۱۳۱۶ در شهر لاهیجان متولد شد. در سال های قبل از ۲۸ مرداد به عضویت سازمان جوانان حزب توده درآمد و در همین رابطه نیز بعد از کودتا بازداشت گردید. پس از آزادی از زندان با جدیت تمام به جمع آوری دوستان هم فکرش برای ادامه مبارزه برمی آید. سال های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ به مطالعات تئوریک خود غنا بخشیده و در سال ۱۳۳۹ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. در محیط دانشگاه به فعالیت های دانشجویی پرداخت و با کار مستمر روی افراد مستعد آن ها را با مارکسیسم آشنا نمود. فعالیت های فردی حسن خیلی زود در پیوند با مبارزاتی قرار گرفت که از کانال هسته های دیگر و از جمله رفیق بیژن در دانشگاه و در جبهه ملی پیش می رفت. تبلیغ مبارزه قاطع علیه رژیم ، داشتن برنامه اقتصادی - سیاسی برای

جنبش و ایجاد یک تشکیلات رزمنده در جهت مبارزه با رهبری اپورتونیست و محافظه کار جبهه ملی و وحدت میان نیروهای پیشرو و مترقی درون جبهه ملی نقطه اوجش در کنگره جبهه ملی متجلی گردید. در آستانه این کنگره بود که منشوری توسط فعالین جبهه ملی در دانشگاه تهران به کنگره داده شد و حسن به عنوان کاندیدای دانشکده حقوق قرار شد که در کنگره شرکت نماید. رهبری جبهه ملی از وحشت از جریانی که بوجود آمده بود رفقا حسن ، بیژن و یک نفر دیگر را از جبهه اخراج نمودند. علیرغم این تصمیم ضددموکراتیک ، دانشجویان دانشکده حقوق حسن را به عنوان نماینده اول خود انتخاب کردند. اما تصمیم قطعی رهبری عدم شرکت رفیق حسن در کنگره بود.

در سال ۱۳۴۴ گروه جزنی که مشی قهرآمیز را برگزیده بود وارد مذاکره مستقیم با رفیق حسن شد و نتیجه بحث های مشترک به پیوستن حسن به گروه انجامید. حسن به خاطر شایستگی هایش در کادر مرکزی گروه قرار گرفت. در اواخر سال ۱۳۴۵ نقش فعال حسن و بیژن در ارائه جمعبندی گروه سندی بود که با تیترا « مسائل جنبش ضداستعماری و آزادیبخش خلق ایران ، مهم ترین وظیفه کمونیست ها در لحظه کنونی » در سطح گروه و به صورت محدود در میان محفل های مارکسیستی آن دوره توزیع گردید.

در اواخر سال ۱۳۴۴ و اوایل سال ۱۳۴۵ حسن طی مذاکراتی با رفیق عباس سورکی و در یک پروسه موفق به ادغام دو گروه می گردد. پس از ضربه خوردن گروه در دی ماه ۱۳۴۶ حسن مخفی می گردد. اما محل زندگی وی توسط عباس شهرباری لو رفته و هنگامی که حسن سر قرار رفیق احمد افشار می رود در محاصره پلیس قرار گرفته و دستگیر می گردد. شدت شکنجه های وارده بر حسن آن قدر زیاد بود که دژخیمان مجبور می گردند

اورا به بیمارستان ارتش منتقل کنند. تمام اسرار گروه در قلب حسن باقی می ماند و پلیس کوچک ترین اطلاعاتی از حسن نمی تواند بیرون بکشد.

حسن در دفاع جانانه حقوقی و سیاسی ، بیدادگاه های رژیم را در انظار جهانی افشا می نماید. ده سال زندان محکومیتی است که برای وی صادر می گردد. در اواخر سال ۱۳۴۸ به زندان رشت منتقل می گردد و در صدد تماس با رفقای بیرون برمی آید و موفق می گردد که بخش بزرگ و دست نخورده امکانات گروه را در اختیار رفیق حسن پور بگذارد. به دنبال رستاخیز سیاهکل مجدداً زیر شکنجه قرار می گیرد و به اتهام ارتباط با خارج از زندان و تدارک مبارزه مسلحانه همراه با ۴ رفیق دیگر دادگاهی و به اعدام محکوم می گردد. به دلیل فشارهای بین المللی و مسخره بودن حقوقی اتهام ، رژیم مجبور می گردد که حکم را به ابد تبدیل نماید. حسن تا فروردین ۱۳۵۴ که در کنار ۸ نفر از رفقای هم زندانش در اوین به جوخه های اعدام سپرده می شود همواره به عنوان یک کادر باارزش جنبش و سازمان یک دم از فعالیت باز نماند. **یادشان گرامی باد!**

سازمان اتحاد فداییان خلق ایران - ۱۳۸۲